

افزایش تجردهای ناخواسته

تجرد ناخواسته مجرد ماندن دختران و پسرانی است که تمایل به ازدواج دارند اما به دلایل خانوادگی، اجتماعی و فردی مجرد می‌مانند.



تجرد ناخواسته مجرد ماندن دختران و پسرانی است که تمایل به ازدواج دارند اما به دلایل خانوادگی، اجتماعی و فردی مجرد می‌مانند.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از مجله سپیده دانایی، اگرچه مسئله تجرد و پیامدهای آن، مسئله جدیدی نیست اما پدیده تجردهای ناخواسته چند سالی بیشتر نیست که به عنوان یک متغیر جدید وارد حوزه مطالعاتی روان‌شناسان و جامعه‌شناسان شده است. به همین سبب، تاکنون مطالعات چندانی بر روی آن انجام نشده و هنوز نیازمند بررسی‌های علمی دقیق‌تری است. با این وجود، در این چند سال اخیر مطالعات علمی خوبی به همت چند تن از روان‌شناسان مبرز کشورمان انجام شده است که نتایج آن شایان توجه است. دکتر محمدباقر کجیاف روان‌شناس و عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان یکی از این روان‌شناسان است که به همراه چند تن دیگر از همکارانشان از جمله دکتر حمیدرضا پوراعتماد عضو هیأت علمی دانشگاه شهیدبهشتی مطالعاتی را در این زمینه بر روی افراد مجرد انجام داده‌اند و پیامدهای تجرد را مورد بررسی قرار داده‌اند. به همین علت، فرصت گفت‌وگو با ایشان فرصت مناسبی بود تا بتوانیم سؤالات خود در مورد تعریف تجردهای ناخواسته، پیامدها و علل ایجادکننده آن و راه‌های برون رفت از آن را با ایشان در میان بگذاریم. وقتی در طی گفت‌وگو با ایشان صحبت از شیوع تجردهای ناخواسته می‌شود، از سه برابردن آمار تجرد در ایران در طی سال‌های اخیر خبر می‌دهند و معتقدند که به علت برخی از پیامدهای مخرب آن باید چاره‌ای اندیشید.

شما از معدود روان‌شناسانی هستید که درباره تجردهای ناخواسته مطالعه کرده‌اید. ابتدا بگویید تجرد ناخواسته به چه معنایی است؟

تجرد ناخواسته مجرد ماندن دختران و پسرانی است که تمایل به ازدواج دارند اما به دلایل خانوادگی، اجتماعی و فردی مجرد می‌مانند. در برخی از تحقیقات، اگر افراد تا پنجاه سالگی به دلیل شرایط اجتماعی یا عوامل روانی و خانوادگی تن به ازدواج ندهند شاخص افراد مجرد است.

آیا تجردهای ناخواسته تنها مربوط به ایران است یا در کشورهای دیگر هم چنین مسئله‌ای وجود دارد؟

البته در فرهنگ‌های مختلف هم مطرح است و این‌گونه نیست که خاص کشور ما باشد. در برخی از کشورها هم بعضی‌ها به دلایل فردی و اجتماعی سعی می‌کنند مجرد بمانند، اما این کار اختیاری نیست و عوامل اجتماعی متعددی آنها را وادار به چنین کاری می‌کند. در مجموع، می‌توان گفت که تجردهای ناخواسته موضوعی انسانی است که در جوامع مختلف با درصدهای مختلف وجود دارد.

به این نکته اشاره کردید که تأثیر عوامل فردی و اجتماعی باعث می‌شود که فرد سعی کند مجرد بماند. پس از این لحاظ، آیا می‌توان بین تجردهای خواسته و ناخواسته تمایز قائل شد؟

شاید بتوان بین تجردهای خواسته و ناخواسته تمایز قائل شد. برخلاف تجردهای ناخواسته، تجردهای خواسته به این معنا هستند که فرد با وجود داشتن شرایط و آمادگی برای ازدواج ترجیح می‌دهد برای رسیدن به اهدافش مجرد بماند.

چه عواملی موجب به وجود آمدن تجردهای ناخواسته می‌شود؟

در نظرسنجی‌ها، شاید بتوان این عوامل را حداقل به سه- چهار عامل تقسیم کرد. یک دسته را باید به عوامل روانی و عاطفی نسبت دهیم که جنبه فردی، دارد. مثل انتظارات سطح بالای دختران یا کمال‌گرایی. اگر از لحاظ عاطفی هم بخواهیم در نظر بگیریم، باید به افرادی اشاره کنیم که از لحاظ عاطفی دچار یک‌سری حالات روانی می‌شوند که باعث می‌شود نگرش آنها به جنس مخالف تغییر کند و از جنس مخالف بدشان بیاید. در همین‌جا، می‌توان به شکست‌های عشقی این افراد و یا مشاهده الگوی نامناسب در والدین هم اشاره کرد. برای مثال، دختری به دلیل الگوی بدی که از پدرش در خانواده مشاهده می‌کند ممکن است از مردان متنفر شود. همچنین، احساس بی‌کفایتی دختران و پسران در تشکیل خانواده و این احساس که از عهده داشتن همسر بر نمی‌آیند یکی از عواملی است که ذیل عوامل روانی می‌توان طبقه‌بندی کرد. یکی دیگر از عوامل روانی به تصور برخی افراد از ازدواج مربوط می‌شود. این افراد تشکیل خانواده را مساوی با بچه‌دار شدن می‌دانند و چون داشتن فرزند را مسئولیتی سنگین و بزرگ تلقی می‌کنند، زیر بار ازدواج نمی‌روند.

نقش خانواده‌ها را چطور می‌بینید؟

یکی از عوامل، عوامل خانوادگی است که عبارتند از: سختگیری‌های بیش از حد والدین، منازعات پدر و مادر در ملاک‌های انتخاب همسر برای فرزندان، و پشتیبانی نکردن والدین در ازدواج فرزندان. خیلی از جوان‌ها می‌گویند اگر پدر و مادر ما پشتیبان عاطفی، اخلاقی و اقتصادی برای من بودند ازدواج می‌کردم. خانواده می‌تواند راه را برای ازدواج تسهیل کند. یکی از عوامل مهم مرتبط با خانواده عوامل فرهنگی است. برخی از سنت‌هایی که در خانواده‌ها وجود دارد موجب دشوار شدن ازدواج و در نتیجه، مجرد ماندن افراد می‌شود. مثلاً مهریه‌های کلان بسیاری از پسرها را برای ازدواج دچار تردید کرده. به نظر می‌رسد اگر این سنت‌ها اصلاح شوند، تجردهای ناخواسته هم کاهش پیدا می‌کنند.

آیا از لحاظ روان‌شناختی، شخصیت‌هایی وجود دارند که میل به مجرد داشته باشند؟

در برخی تیپ‌های شخصیتی این دیده می‌شود. افرادی که میل به انزوا و گوشه‌نشینی دارند، فردگرایی را به جمع‌گرایی ترجیح می‌دهند، از با خود بودن بیشتر از با دیگران بودن لذت می‌برند، و واکنش‌های انفعالی بیشتری در مقایسه با واکنش‌های فعال نشان می‌دهند طبیعتاً به مجرد احساس خوشایندتری دارند.

پیامدهای فردی و اجتماعی بر تجردهای ناخواسته چیست؟

شاید بتوان گفت که اختلالات خلقی مهم‌ترین پیامد تجردهای ناخواسته است. محدودیت‌های اجتماعی، ترس از تنها ماندن در دوره پیری، احساس بی‌کفایتی، احساس بی‌پناهی، سلب اعتماد یا نداشتن اعتماد به نفس، ناامنی روانی، نگرش منفی به آینده و خودپنداره ضعیف از دیگر پیامدهای تجردهای ناخواسته است.

در تحقیقی که شما به همراه سه نفر از همکارانتان انجام داده‌اید اشاره شده که واکنش‌های افراد مجرد به مسئله مجرد و همچنین، عوامل ایجادکننده تجردهای ناخواسته متفاوت است. این تفاوت‌ها به چه صورتی است؟

در این تحقیق، 9 کد مختلف را از دید افرادی که در این پژوهش شرکت کرده بودند طبقه‌بندی کردیم. هر کدام از این افراد به یک بعد اشاره می‌کردند. برای مثال، واکنش برخی از افراد به مجردشان مطالعه و ادامه تحصیل بود. برخی دیگر به رفت و آمد با دوستان، نقش بازی کردن و مسافرت‌های بیش از حد برای واکنش نشان دادن به مجرد خود و سازگاری با آن اشاره کردند. برخی از این افراد فشارهای اجتماعی را از علل تجردهای ناخواسته دانستند و برخی دیگر هم نداشتن استقلال مالی را. به هر حال، هم در عوامل ایجادکننده تجردهای ناخواسته و هم در راهکارها و شیوه‌های سازگانه با آن و سبک زندگی این افراد تفاوت وجود دارد.

چه تفاوت‌هایی بین دختران و پسران مجرد وجود دارد؟

اولین تفاوت در علل مجرد ناخواسته در دختران و پسران است. در تحقیقات 3 عامل را مهم‌ترین علل مجرد دختران دانسته‌اند. یکی کمال‌گرایی است که به آن اشاره کردم، دیگری سختگیری بیش از حد والدین و سومی پیدا نکردن زوج مناسب. ولی در پسران این مسئله به 2 عامل نسبت داده می‌شود که یکی از آنها مشکلات اقتصادی است و عامل دیگر تردید در تصمیم‌گیری برای انتخاب. تفاوت در شیوع مجرد در دختران و پسران هم به این صورت است که بر اساس سرشماری سال 85، درصد مجرد در دختران بیشتر از پسران است. در این سرشماری، برای زنان 1/2 درصد و برای مردان یک درصد گزارش شده است. اگر بخواهیم این آمار را نسبت به 30 سال قبل بررسی کنیم، می‌بینیم که آن زمان این آمار 3 برابر کمتر بود. البته طبیعی است که فرایند انقلاب در این مسئله مؤثر بوده. ما در فرایند انقلاب با تغییر بسیاری از چیزها از جمله افزایش آمار دختران تحصیل‌کرده

مواجه شدیم. خب، وقتی سطح تحصیل دختران افزایش پیدا کرد، انتظاراتشان هم بالا رفت. پس اینکه آمار تحصیلمکرده‌ها افزایش یافته نکته مثبتی است، اما از این نظر که باعث افزایش آمار مجرد شده منفی است. همچنین، مواردی مثل بی‌کاری پسران، مشکلات اقتصادی که بیشتر متوجه پسران است، تصادفات رانندگی، مهاجرت، اعتیاد، بزهکاری و زندان که در مردان بیشتر از زن‌هاست، می‌تواند در تفاوت میزان مجرد در دختران و پسران دخیل باشد.

ما در جامعه‌مان شاهد یک سری بحث‌های ضد و نقیض از میزان مجرد هستیم. برخی افراد از بحران می‌گویند و برخی دیگر این بحث‌ها را اغراق‌شده می‌دانند. به نظر شما، جامعه ما الان با بحران مجرد مواجه است؟

من این مشکل را در این حد نمی‌بینم که به عنوان بحران از آن یاد کنیم. ولی می‌توانیم آن را یکی از مسائل مهم اجتماعی تلقی کنیم. این مسئله به این دلیل مهم است که اگر فرایند ازدواج درست نباشد، طبیعی است که باعث ایجاد بسیاری از مشکلات می‌شود. اگر فرهنگ‌سازی نکنیم، همین پیامدهای مجرد که به آنها اشاره کردم، تبدیل به بحران خواهد شد. یعنی مجبور می‌شویم که پسران و دختران را به زور وادار به ازدواج کنیم. خب، اگر به اینجا برسیم، معلوم است که با بحران مواجه شده‌ایم.

شما چه راهکارهایی برای برون‌رفت از این وضعیت پیشنهاد می‌کنید؟

ابتدا باید به مشکلات اقتصادی بپردازیم. از طریق رسانه‌ها هم باید فرهنگ‌سازی شود و راهکار ازدواج آسان را ترویج کنیم. الان در کشور گرایش به ازدواج آسان رو به رشد است که باید به آن بها بدهیم. اگر نیکوکاران و دولت به همدیگر کمک کنند، بسیاری از جوانان به ازدواج رو می‌آورند. اگر مسکن 50 متری یا شغل‌های مشخصی برای زوج‌های جوان در نظر گرفته شود، باعث می‌شود ازدواج افزایش پیدا کند و به طور طبیعی مجرد کم شود.

صحتی هم که می‌توان با جوانان مجردی که ازدواج نمی‌کنند کرد این است که سلامت روانی خودشان را ارزش تلقی کنند. در تحقیقات مشخص شده آدم‌هایی که ازدواج می‌کنند سالم‌ترند. به همین دلیل، اگر می‌خواهیم برای سلامت زندگی فردی و اجتماعی‌مان گام برداریم، باید ازدواج را راهکار تلقی کنیم. یکی از مسائلی که بسیار مهم است و ما باید به افراد مجرد بگوییم این است که نباید در زندگی تنها به خودمان اعتماد کنیم. اعتماد به نفس مقدمه‌ای برای اعتماد به خداست. ما باید از اعتماد به خودمان استفاده کنیم و خدا را عامل مؤثر در حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روانی دخیل بدانیم. اگر خدا را منبع حل مشکلات خودمان در زندگی دیدیم، مصداق آن آیه قرآن می‌شویم که اگر راهی برای ازدواج پیدا نکردید، پاکدامنی پیشه کنید و اگر به خاطر تنگدستی ازدواج نمی‌کنید، خدا شما را از فضل خودش بی‌نیاز خواهد کرد. این فضل الهی شناختی است برای افراد مجرد تا از استعدادهایی که خداوند در اختیار آنها قرار داده استفاده کنند و با آن استعدادها امید و توکلشان را افزایش دهند